

نقد و بررسی سرفصل درس متون نظم و نثر رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی و ضرورت بازنگری در آن^۱

عیسی متقی‌زاده*

کبری روشنفکر**، سجاد اسماعیلی***

چکیده

سرفصل درسی به منزله یکی از ارکان اصلی آموزش، در کنار راهبردهای تدریس و کتاب‌های مناسب، می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق و پیش‌برد اهداف هر درس داشته باشد. یکی از دروس پایه رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی، که نقش کارآمدی در تقویت مهارت‌های ترجمه، خواندن، ذوق ادبی، و سبک‌شناسی دارد، درس «متون نظم و نثر عربی» است. برای این درس هر چند سال یک‌بار از سوی شورای برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم سرفصلی پیش‌نهاد می‌گردد، ولی با توجه به نارضایتی برخی از استادان این رشته، به نظر می‌رسد سرفصل موجود با اهداف مورد انتظار این درس هم‌خوانی کامل را ندارد. از این رو نویسندگان در پژوهش حاضر می‌کوشند با استفاده از نظر استادان، به نقد و آسیب‌شناسی سرفصل این درس بپردازند و در نهایت سرفصلی متناسب با این درس پیش‌نهاد دهند. برخی از یافته‌های پژوهش نشان داد که سرفصل موجود بسیار کلی است و شایسته است در دو بخش نظم و نثر به طور جداگانه طراحی گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان عربی، سرفصل، متون نظم و نثر.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس تهران Motaghizadeh@modares.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس تهران kroshan@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول) S.esmaili20@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۶

۱. مقدمه و بیان مسئله پژوهش

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظام آموزشی دانشگاهی چگونگی تحول برنامه درسی و فرایند یاددهی - یادگیری است؛ به نحوی که این تحولات بتواند دانش‌جویان را با مهارت‌های لازم برای فعالیت‌های مؤثر در این محیط پویا و سرشار از اطلاعات و دارای تغییرات مداوم تجهیز کند (شاه‌پسند، و شریف‌زاده، ۱۳۸۴: ۳). با توجه به این‌که راهنمای اصلی استادان و دانش‌جویان در کشور ما «برنامه درسی» است، توجه کافی و لازم به محتوا و مفاهیم عمده سرفصل‌های برنامه درسی دانشگاهی، بسیار ضروری می‌نماید. برنامه درسی مناسب باید ویژگی‌های مهمی از جمله هدف‌مند بودن، پاسخ‌گو بودن به نیازهای روز، تطابق با تحولات و شرایط علمی و تخصصی دانشی و ... را داشته باشد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

متون نظم و نثر عربی به مثابه یکی از دروس رشته زبان و ادبیات عربی در ۲۶ واحد (شعر و نثر) در دوره‌های گوناگون ادبیات عرب با عنوان دروس تخصصی و الزامی برنامه‌ریزی شده است (شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم، ۱۳۸۹: ۷-۱۰). این درس با دربر داشتن اهدافی هم‌چون افزایش مهارت‌های صحیح‌خوانی دانش‌جویان، افزایش فهم و تفسیر متون، افزایش ذوق ادبی و تشخیص ویژگی‌های سبکی دوره‌های مختلف ادبی نقش مهمی در رشته زبان و ادبیات عربی بر عهده دارد (الرکابی، ۱۹۸۶: ۵۰-۹۰). اما آنچه برای تحقق این اهداف قبل از شیوه‌های تدریس استاد و کتاب مناسب اهمیت دارد وجود سرفصلی مناسب با اهداف مذکور است؛ زیرا به واسطه همین سرفصل مناسب است که استادان می‌توانند روش‌های تدریس و کتاب متناسب با این درس را برگزینند. بنابراین نویسندگان این جستار می‌کوشند تا از یک سو، در ادبیات نظری خود، از واقعیت فعلی برنامه درسی و سرفصل این درس در مقطع کارشناسی پرده بردارند و از سوی دیگر، با استفاده از نظر استادان این درس، میزان مناسب بودن یا ضرورت بازنگری در این سرفصل را بررسی نمایند.

۱.۱ فرضیه پژوهش

با توجه به این‌که داده‌های مربوط به این پژوهش برگرفته از نظرهای استادان درس متون نظم و نثر عربی است، بنابراین فرضیه پژوهش با توجه به نظرهای کلی استادان در شکل ذیل طرح شد:

- بیش‌تر استادان سرفصل را برای تدریس متون ادبی ضروری و خود را ملزم به اجرای آن می‌دانند، اما تعداد کمی از آنان سرفصل را در داشتن معیارها و استانداردهای سرفصل خوب مناسب نمی‌دانند؛ آن‌ها سرفصل موجود را در سه بخش عدم تفکیک بخش نظم از نثر، عدم تعادل در تنظیم دو بخش نظم و نثر، و شروع واحدها از عصر جاهلی نامناسب می‌دانند.

۲,۱ روش، جامعه آماری، و ابزار پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده شده است. در روش تحقیق پیمایشی، محقق از طریق ابزار پرسش‌نامه یا مصاحبه به مشاهده آنچه هست می‌پردازد و از افراد گروه‌های معین می‌خواهد به چند سؤال مشخص پاسخ دهند که این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (عبد‌الأمیر، ۲۰۰۷: ۴۸). ابزار پژوهش را پرسش‌نامه محقق ساخته است که در پرسش‌نامه مذکور از طیف لیکرت استفاده شده است؛ به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده ارزش خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده ارزش بالا بوده است.

جامعه آماری این پژوهش را پنج دانشگاه استان تهران (علامه طباطبایی، شهید بهشتی، تهران، خوارزمی، و الزهراء) و هشت دانشگاه شهرستان (تربیت معلم آذربایجان، فردوسی مشهد، سمنان، قزوین، کرمانشاه، کاشان، شیراز و گیلان) تشکیل دادند. از میان این دانشگاه‌ها ۴۵ استاد مدرس متون نظم و نثر برای نمونه انتخاب شدند که فراوانی آن‌ها در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱. فراوانی استادان به تفکیک دانشگاه‌ها

دانشگاه	تهران	شهید بهشتی	خوارزمی	علامه طباطبایی	الزهراء	فردوسی مشهد	سمنان	رازی کرمانشاه	تربیت معلم آذربایجان	شیراز	اصفهان	کاشان	گیلان	قزوین	مجموع
استادان	۳	۳	۳	۲	۲	۴	۴	۳	۴	۳	۲	۴	۴	۴	۴۵

۳,۱ پیشینه پژوهش

پژوهشی که به طور مستقل به نقد و بررسی سرفصل‌های دروس رشته زبان و ادبیات عربی

پرداخته باشد، یافت نشد. اما در زمینه نقد و بررسی برنامه درسی و سرفصل‌های دروس رشته‌های گوناگون دانشگاهی پژوهش‌هایی یافت شدند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. در مقاله «ضرورت بازنگری سرفصل دروس رشته ادیان و عرفان»، نوشته ملیحه معلم، پس از نقد و بررسی سرفصل‌های رشته ادیان و عرفان، ایجاد چندین گرایش مجزا و افزایش واحدهای درسی پیشنهاد شده است.
۲. در مقاله «نقد و بررسی برنامه درسی دوره دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت، ارائه یک برنامه درسی پیشنهادی برای دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی»، نوشته رضا نوروززاده و دیگران، پس از بررسی واقعیت فعلی سرفصل این رشته، در نهایت با استفاده از نظر استادان مربوط، سرفصلی مناسب برای این رشته پیشنهاد شده است.

از این رو این پژوهش نیز با بهره‌گیری از روش کار پژوهش‌هایی از این دست، به بررسی و نقد سرفصل درس متون نظم و نثر رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی می‌پردازد.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۱،۲ متون نظم و نثر عربی و اهداف آن

متون نظم و نثر عربی به عنوان یکی از دروس تخصصی و الزامی در ۲۶ واحد درسی برای دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی در نظر گرفته شده است. این درس هم‌چون ظرفی لبریز از معانی، افکار، خیال‌های ادیبانه، جملات استوار، عبارات برانگیزاننده، و سبک‌های زیبای ادبی برای زبان عربی به شمار می‌رود که اهداف مهمی را در خود جای داده است. برخی از مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از:

۱. افزایش مهارت صحیح‌خوانی متون ادبی؛
۲. افزایش گنجینه لغوی و فکری دانش‌جو؛
۳. افزایش ذوق ادبی دانش‌جو؛
۴. پرورش قدرت فهم سبک‌های مختلف ادبی در دانش‌جو (فلاح، ۱۹۹۶: ۸۹)؛
۵. درک ارزش‌های اخلاقی والا از لابلای متون ادبی و زندگی‌نامه ادیبان؛
۶. تشویق دانش‌جو به حفظ برخی از متون زیبا و تأثیرگذار؛

۷. فهم ویژگی‌های ادبی مهم متن ادبی مثل معانی، خیال، عواطف انسانی، تصویرگری‌های شاعرانه، و حوادث سیاسی، اجتماعی و دینی عصر مورد نظر (الضبع، ۲۰۰۶: ۳۳۷-۳۳۸؛ السحرتی، ۱۹۶۲: ۵۹).

بنابراین ارائه سرفصلی متناسب با این اهداف، در کنار راه‌کارهای مناسب تدریس، می‌تواند نقش تأثیرگذاری در تحقق هرچه بیش‌تر مهارت‌های ادبی دانش‌جویان ایفا نماید.

۲,۲ تعریف سرفصل یا برنامه درسی

برنامه‌ریزی درسی یکی از ارکان و شاخه‌های اساسی تعلیم و تربیت، به طور کلی، و فرایند آموزش، به طور ویژه، به شمار می‌آید. بی‌تردید برنامه‌ریزی منظم و مناسب آموزشی گامی است که در سایه آن سایر گام‌های آموزش معنا پیدا می‌کند؛ بدین معنا که به‌کارگیری روش تدریس مناسب و طراحی کتابی هدف‌مند برای تدریس، در سایه وجود برنامه‌ریزی مناسب و منسجم محقق می‌شود. از این رو وجود الگو یا برنامه درسی مناسب راه‌گشای خوبی در امر آموزش محسوب می‌گردد.

مصطلح سرفصل یا برنامه درسی در تعریفی مختصر و جامع عبارت است از «طرح یا الگویی سازمان‌دهی شده و منظم که آموزگار یا استاد را در اجرای هرچه بهتر فرایند تدریس کمک می‌کند» (بوقس، ۱۹۹۸: ۶۷). این طرح یا الگو شامل اهداف هر درس، محتوای درس، منابع مرتبط با آن درس، و روش تدریس آن درس است (الباز، ۲۰۰۰: ۲۹۲).

۳,۲ درآمدی بر وضعیت کنونی سرفصل درس متون نظم و نثر عربی

برنامه درسی و سرفصلی که شورای عالی برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم برای دروس رشته زبان و ادبیات عربی در مقطع کارشناسی پیشنهاد داده است بدین شکل است که ابتدا با طرح جدولی به توزیع تمامی دروس این رشته با ذکر تعداد واحدهای هر درس پرداخته است. سپس هر درس را در صفحه‌ای مجزا در اجزای ذیل طراحی نموده است:

۱. عنوان درس، ۲. تعداد واحدهای هر درس، ۳. تعداد ساعات هر درس، ۴. ذکر پیش‌نیاز هر درس، ۵. ذکر هدف هر درس، ۶. سرفصل، ۷. منابع اصلی، و ۸. منابع فرعی. سپس در این سرفصل برای هر ترم، دو واحد «شعر» و دو واحد «نثر»، در مجموع برای هشت ترم ۳۲ واحد پیشنهاد شده است.

۳. تحلیل مواد پژوهش

نگارندگان با استفاده از ابزار پرسش‌نامه و نظرهای استادان به نقد و بررسی سرفصل مورد نظر پرداختند. پرسش‌نامه‌ای که در نظر گرفته شد شامل ۱۳ سؤال بود که از این تعداد یک سؤال به صورت سؤال باز و دوازده سؤال از نوع چندگزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد) بود. متغیرهای اصلی پرسش‌نامه عبارت‌اند از:

۱. ضرورت و میزان اجرای سرفصل؛
۲. ضرورت جداساختن بخش نظم از نثر؛
۳. ضرورت تعادل در دو بخش نظم و نثر؛
۴. ضرورت آغاز سرفصل از دوره معاصر؛
۵. مناسب بودن زمان‌بندی سرفصل؛
۶. مناسب بودن منابع مذکور در سرفصل.

۱,۳ توصیف و تحلیل داده‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا متغیرهای پژوهش با توجه به نظرهای استادان بررسی شد؛ سپس در بخش پایانی، ضمن توصیف و تحلیل داده‌های حاصل از متغیرها، به بررسی، رد، یا اثبات فرضیه پژوهش پرداخته شد.

برای بررسی هر کدام از متغیرها و رد یا اثبات فرضیه پژوهش، از آزمون (T)، که برای رد یا اثبات فرضیه‌ها مطرح است، استفاده شد. در این آزمون، از یک سو، به استخراج مجموع پاسخ‌های استادان به متغیرهای پژوهش با لحاظ کردن بیش‌ترین تکرارها و درصدها پرداخته شد و از سوی دیگر، میانگین پاسخ‌ها، سطح معناداری، و انحراف معیارها تبیین شد.

گفتنی است که میزان یا درجه‌های پاسخ‌گویی استادان بر اساس مقیاس‌های ذیل، که همان مقیاس‌های مورد نظر طیف لیکرت است، لحاظ شده است:

- درجه «بسیار کم» = من ۰ الی ۱/۵۰؛
- درجه «کم» = من ۱/۰۵ الی ۲/۴۹؛
- درجه «متوسط» = من ۲/۵۰ الی ۳/۴۹؛
- درجه «زیاد» = من ۳/۵۰ الی ۴/۴۹؛
- درجه «بسیار زیاد» = من ۴/۵۰ الی ۵.

۱,۱,۳ متغیر اول: ضرورت و میزان اجرای سرفصل

دو پرسش این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان اصل وجود سرفصل را برای تدریس متون نظم و نثر ضروری می‌دانید؟

۲. شما تا چه میزان خود را ملزم به اجرای این سرفصل می‌دانید؟

جدول ذیل، که حاصل آزمون (T) است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو

سؤال این بخش است:

جدول ۲. ضرورت و میزان اجرای سرفصل

ارزش آزمون (T)	میزان آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت										مشترک
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		
					٪	ن)	٪	ن)	٪	ن)	٪	ن)	٪	ن)	
۲/۴۰۷	۴۴	/۰۲۰	۸/۴۳۱۵	۳/۲۶۶۷	۱۶/۶۵	۱	۲۷/۸	۲۵	۳۲/۲	۲۹	۱۲/۲۵	۱۱	۱۱/۱	۱۰	ضرورت و میزان اجرای سرفصل

جدول مذکور نشان می‌دهد که بیش‌ترین پاسخ استادان در درجهٔ «متوسط» با تکرار ۲۹ استاد و درصد ۳۲/۲ است، سپس درجهٔ «زیاد» با تکرار ۲۵ استاد و درصد ۲۷/۸، سپس درجهٔ «بسیار زیاد» با تکرار ۱۵ استاد و درصد ۱۶/۶۵ است. فقط ۱۰ استاد با درصد ۱۱/۱ در درجهٔ «بسیار کم»، و ۱۱ استاد با درصد ۱۲/۲۵ در درجهٔ «کم» نظر داده‌اند. از سوی دیگر میانگین پاسخ‌های استادان که مساوی با ۳/۲۶۶۷ است هم‌ارزش با درجهٔ «متوسط» است. هم‌چنین میزان سطح معناداری آزمون کم‌تر از ۰/۰۵ یعنی ۰/۰۲۰ است، بنابراین همهٔ این نتایج نشان‌دهندهٔ پاسخ‌گویی متوسط استادان به ضرورت و اجرای سرفصل این درس است.

۲,۱,۳ متغیر دوم: ضرورت جدا ساختن بخش نظم از نثر

دو پرسش این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان به عدم انتخاب عنوان کلی «متون نظم و نثر» برای این درس معتقد هستید؟
 ۲. شما تا چه میزان به انتخاب دو عنوان جداگانه «متون نظم» و «متون نثر» معتقد هستید؟
- جدول ذیل، که حاصل آزمون T است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو سؤال این بخش است:

جدول ۳. ضرورت جدا ساختن بخش نظم از نثر

ارزش آزمون (T)	درجهٔ آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت										متغیر	ضرورت جدا ساختن بخش نظم از نثر
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم			
					%	ت	%	ت	%	ت	%	ت	%	ت		
۸/۴۰۳	۴۴	/۰۰۰	۸۷۱۶۶	۳/۹۶۶۷	۳۳/۳۵	۳۰	۴۳/۳۵	۳۹	۱۲/۲۵	۱۱	۸/۹	<	۲/۲	۲		

بر اساس جدول فوق؛ بیش‌ترین درصد پاسخ‌گویی استادان به متغیر این بخش در درجهٔ «زیاد» با تکرار ۳۹ استاد و درصد ۴۳/۳۵، و درجهٔ «بسیار زیاد» با تکرار ۳۰ استاد و درصد ۳۳/۳۵، سپس درجهٔ «متوسط» با تکرار ۱۱ استاد و درصد ۱۲/۲۵ است. در حالی که فقط یک استاد با درصد ۲/۲ در درجهٔ «بسیار کم» و ۸ استاد با درصد ۸/۹ در درجهٔ «کم» به این متغیر نظر دادند.

بنابراین از طرفی با تأمل در میانگین پاسخ‌گویی استادان واضح است که برابر با ۳/۹۶۶۷ و هم‌ارزش درجهٔ «زیاد» است و از سوی دیگر سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و کم‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که حجم بالایی از پاسخ‌های استادان در این بخش متوجه ضرورت جدا ساختن بخش نظم از نثر است.

۳,۱,۳ متغیر سوم: ضرورت توجه برابر به دو بخش نظم و نثر

دو پرسش در نظر گرفته شده برای این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان به توجه بیش‌تر یا دو برابر به بخش نظم معتقد هستید؟

۲. شما تا چه میزان به توجه کم‌تر به بخش نثر معتقد هستید؟

جدول ذیل، که حاصل آزمون T است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو سؤال این بخش است:

جدول ۴. ضرورت توجه برابر به دو بخش نظم و نثر

ارزش آزمون (T)	درجهٔ آزادی (df)	سطح معناداری (sig.)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت										متغیر
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم		
					%	ت	%	ت	%	ت	%	ت	%	ت	
-۵/۶۲۵	۴۴	/۰۰۰	۱/۰۶۰۰۶	۲/۱۱۱۱	۶/۶۵	۶	۸/۹	۸	۱۶/۷	۱۵	۲۴/۴	۲۲	۴۳/۳	۳۹	ضرورت توجه برابر به دو بخش نظم و نثر

جدول فوق نشان می‌دهد که بیش‌ترین پاسخ استادان ابتدا در درجهٔ «بسیار کم» با تعداد ۳۹ استاد و درصد ۴۳/۳، سپس درجهٔ «کم» با تعداد ۲۲ استاد و درصد ۲۴/۴، و درجهٔ متوسط با تعداد ۱۵ استاد و درصد ۱۶/۷ است و فقط ۶ استاد با درصد ۶/۶۵ در درجهٔ «بسیار زیاد» و ۸ استاد با درصد ۸/۹ در درجهٔ «بسیار» به این متغیر رأی دادند.

بنابراین با توجه به آمار فوق و با دقت در میانگین پاسخ‌ها که برابر با ۲/۱۱۱۱، هم‌ارزش با درجهٔ «کم» است، و همچنین سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و کم‌تر از ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که نسبت بالایی از استادان به ضرورت برابری در توجه به دو بخش نظم و نثر در طراحی سرفصل معتقد هستند.

۴,۱,۳ متغیر چهارم: مناسب بودن زمان بندی

دو پرسش این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان به مناسب بودن ۲۶ واحد متون نظم و نثر معتقد هستید؟
۲. شما تا چه میزان به مناسب بودن ۳۲ ساعت برای تدریس هر دوره از متون نظم و نثر معتقد هستید؟

جدول ذیل، که حاصل آزمون T است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو سؤال این بخش است:

جدول ۵. مناسب بودن زمان بندی

ارزش آزمون (T)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت										
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم		
					٪	ت	٪	ت	٪	ت	٪	ت	٪	ت	
۳/۹۴۴	۴۴	/۰۰۰	/۸۶۹۲۳	۳/۵۱۱	۱۶/۶۵	۱۵	۳۱/۱	۲۸	۵۳/۳۵	۳۹	۵۵/۵	۵	۴/۴	۴	۳/۵۱۱

بر اساس جدول مذکور بیش‌ترین مقدار پاسخ‌گویی استادان به ترتیب عبارت است از: درجهٔ «متوسط» با تعداد ۳۹ استاد و با درصد ۴۳/۳۵، درجهٔ «زیاد» با تعداد ۲۸ استاد و درصد ۳۱/۱ و درجهٔ «بسیار زیاد» به تعداد ۱۵ استاد و درصد ۱۶/۶۵. در حالی که فقط ۴ استاد با درصد ۴/۴ در درجهٔ «بسیار کم» و ۵ استاد با درصد ۵۵/۵ در درجهٔ «کم» به این متغیر پاسخ دادند.

هم‌چنین در نگاهی دیگر به جدول ملاحظه می‌شود که میانگین پاسخ‌ها برابر با ۳/۵۱۱ و هم‌ارزش با درجهٔ «زیاد» است، و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ کم‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین این نتایج مؤید این نکته است که نسبت زیادی از استادان در مناسب بودن زمان بندی سرفصل هم نظرند.

۵,۱,۳ متغیر پنجم: ضرورت آغاز سرفصل از عصر معاصر

دو پرسش در نظر گرفته شده برای این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان با عدم شروع واحدهای متون نظم و نثر از دوره جاهلی موافق هستید؟

۲. شما تا چه میزان با شروع واحدهای متون نظم و نثر از دوره معاصر موافق هستید؟

جدول ذیل، که حاصل آزمون T است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو

سؤال این بخش است:

جدول ۶. ضرورت آغاز سرفصل از عصر معاصر

ارزش آزمون (T)	درجه آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت										متغیر
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم		
					٪	ن	٪	ن	٪	ن	٪	ن	٪	ن	
۶۰,۲۷	۴۴	/۰۰۰	۱/۱۵۰,۱۰	۴/۰۳۳۳	۴۶/۸	۴۲	۳۲/۲	۲۹	۷/۸	۷	۴/۴	۴	۸/۹	۸	ضرورت آغاز سرفصل از عصر معاصر

با دقت در جدول مذکور واضح است که تعداد ۴۲ استاد با درصد ۴۶/۷ در درجهٔ «بسیار زیاد»، و ۲۹ استاد با درصد ۳۲/۲ در درجهٔ «زیاد» و ۷ استاد با درصد ۷/۸ در درجهٔ «متوسط» رأی دادند. در حالی که فقط ۴ استاد با درصد ۴/۴ در درجهٔ «کم» و ۸ استاد با درصد ۸/۹ در درجهٔ «بسیار کم» به این متغیر رأی دادند.

با تأمل در آمار مذکور و دقت در میانگین پاسخ‌ها که برابر با ۴/۰۳۳۳ و هم‌ارزش با درجهٔ «زیاد» است، و همچنین سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و کم‌تر از ۰/۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که نسبت زیادی از استادان به ضرورت آغاز سرفصل متون ادبی از عصر معاصر و عدم شروع آن از عصر جاهلی معتقد هستند.

۶,۱,۳ متغیر ششم: مناسب بودن منابع مذکور در سرفصل

دو پرسش این متغیر عبارت‌اند از:

۱. شما تا چه میزان منابع اصلی موجود در سرفصل را مناسب می‌دانید؟

۲. شما تا چه میزان منابع فرعی موجود در سرفصل را مناسب می‌دانید؟

جدول ذیل، که حاصل آزمون (T) است، نشان‌دهندهٔ مجموع پاسخ‌های استادان به دو

سؤال این بخش است:

جدول ۷: مناسب بودن منابع مذکور در سرفصل

ارزش آزمون (T)	درجهٔ آزادی (df)	سطح معناداری (sig)	انحراف معیار (std. deviation)	میانگین (mean)	میزان موافقت									
					بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم	
					%	ن)	%	ن)	%	ن)	%	ن)	%	ن)
۱/۴۹۴	۴۴	۰/۰۰۰	۸۷۸/۱	۳/۲۳۳۳	۸۷۱	۵۱	۶۷۱	۸۱	۴۵/۵۵	۱۴	۶۷	۷	۰/۱۰	۹

با توجه به جدول مذکور تعداد ۴۱ استاد با درصد ۴۵/۵۵ در درجهٔ «متوسط»، ۱۷ استاد با درصد ۱۸/۹ در درجهٔ «زیاد»، و ۱۵ استاد با درصد ۱۶/۷ در درجهٔ «بسیار زیاد» به مناسب بودن منابع مذکور در سرفصل رأی دادند و تنها ۸ استاد با درصد ۸/۹ در درجهٔ «کم»، و ۹ استاد با درصد ۰/۱۰ در درجهٔ «بسیار کم» نظر دادند.

همچنین با توجه به میانگین پاسخ‌ها که برابر با ۳/۲۳۳۳ و هم‌ارزش با درجهٔ «متوسط» است، و سطح معناداری که برابر با ۰/۰۰۰ و کم‌تر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که استادان در حد متوسطی معتقد به مناسب بودن منابع موجود در سرفصل هستند.

۲,۳ آزمون فرضیه کلی پژوهش

در این بخش با توجه به آزمون‌های جزئی که در مورد متغیرهای پژوهش انجام دادند، به بررسی آزمون رد یا اثبات فرضیه کلی پژوهش پرداخته شد. همان‌طور که در مقدمه گذشت فرضیه کلی ما از قرار ذیل است:

«با توجه به این که بیش تر استادان سرفصل را برای تدریس متون ادبی ضروری می‌دانند و خود را ملزم به اجرای آن می‌دانند، ولی نسبت کمی از آنان سرفصل را در داشتن معیارها و استانداردهای سرفصل خوب مناسب نمی‌دانند؛ آن‌ها سرفصل موجود را در سه بخش عدم تفکیک بخش نظم از نثر، عدم تعادل در تنظیم دو بخش نظم و نثر، و شروع واحدها از عصر جاهلی نامناسب می‌دانند.»

نتایج حاصل از آزمون (T) نشان داد که میانگین پاسخ‌های استادان به سؤالات در نظر گرفته شده برای این فرضیه برابر با ۳/۳۵۳۷ و هم‌ارزش با درجه «متوسط» است، همچنین سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۰۰۰ کم‌تر از ۰/۰۵ است. این نتایج گواه تأیید متوسطی این فرضیه است؛ یعنی نسبت «متوسط به پایین» از استادان معتقد به مناسب بودن سرفصل درس متون ادبی است. ضمن این که جدول ذیل به خوبی این نتایج را نشان می‌دهد:

جدول ۸: آزمون فرضیه کلی پژوهش

میانگین (mean)	انحراف معیار (std. deviation)	سطح معناداری (sig)	درجه آزادی (df)
۳/۳۵۳۷	۰/۳۶۹۳۴	۰/۰۰۰	۴۴

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به توصیف و تحلیل داده‌های به دست آمده از شش متغیر پژوهش، نتایجی به دست آمد که به لزوم و ضرورت بازنگری در سرفصل تأکید دارند:

۱. متغیر اول پژوهش ثابت کرد که وجود و اجرای سرفصل برای این درس کاملاً ضروری است. آزمون (T) نشان داد که استادان در حد متوسط و با میانگین پاسخ ۳/۲۶۶۷، سرفصل را برای درس متون ادبی ضروری و خود را ملزم به اجرای آن دانسته‌اند. پژوهشگر این نتیجه را به چند نکته وابسته می‌داند؛ اول، آگاهی کامل استادان از اهمیت سرفصل و برنامه درسی، تأثیر آن بر تدریس و یادگیری دانشجویان، دوم، تأثیر برنامه‌های کاربردی و جامع دانشگاه‌ها در جهت توضیح و تبیین اهمیت برنامه درسی و سرفصل. سوم، تأثیر

دوره‌های آموزشی شورای برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم در آگاه‌ساختن استادان به مسئله برنامه‌ریزی درسی، و چهارم: وجود تلاش‌های مثبت و هدفمند مدیران گروه‌های آموزشی این رشته نسبت به سرفصل، و ترغیب استادان به استفاده از آن.

۲. متغیر دوم پژوهش ثابت کرد که انتخاب عنوان کلی متون نظم و نثر غیر مناسب است و بهتر است سرفصل این درس با دو عنوان جزئی «متون نظم» و «متون نثر» طراحی گردد. نتایج آزمون (T) نشان داد که استادان با میانگین پاسخ (۳/۹۶۶۷) به تفکیک بخش نظم از نثر معتقد بودند. بدین معنی که آنان سرفصل را در عنوان فعلی «متون نظم و نثر» نامناسب دانسته و معتقد به وجود دو عنوان جداگانه «متون نظم» و «متون نثر» بودند. زیرا وجود این دو عنوان استادان را در تدریس تمامی متون ادبی یاری می‌کند و همچنین دانشجویان با دو بخش متون نظم و نثر به یک اندازه آشنا می‌شوند.

۳. متغیر سوم پژوهش نشان داد که در طراحی سرفصل این درس باید به لزوم تعادل در دو بخش نظم و نثر پایبند بود. نتایج آزمون (T) نشان داد که نسبت کمی از استادان با میانگین پاسخ ۲/۱۱۱۱ به توجه بیش از اندازه به بخش نظم و توجه کم‌تر به بخش نثر معتقد بودند. بدین معنا که در واقع بیش‌تر استادان به وجود تعادل در دو بخش نظم و نثر معتقد بودند. شاید این نتیجه بدین علت است که آنان متون نثر را جزء لاینفک متون ادبی و تدریس آن را ضروری می‌دانند.

۴. متغیر چهارم پژوهش مناسب‌بودن حد متوسط زمانبندی موجود در سرفصل فعلی را تأیید نمود. آزمون (T) نشان داد که استادان در حد متوسط و با میانگین پاسخ‌های (۳/۴۸۸۹)، سرفصل را دارای زمانبندی مناسب دانستند. بدین معنی که آنان وجود ۳۲ ساعت را برای ۲۶ واحد درسی در حد متوسط مناسب دانستند.

۵. متغیر پنجم پژوهش بر لزوم شروع واحدهای نظم و نثر از دوره معاصر تأکید داشت. بر اساس نتایجی که از آزمون (T) به‌دست آمد، مشخص شد که بیش‌تر استادان با میانگین پاسخ ۴/۰۳۳۳ به ضرورت تنظیم سرفصل از عصر معاصر معتقد بودند. بدین معنی که آنان سرفصل فعلی را که به شروع واحدها از عصر جاهلی تأکید دارد، نامناسب می‌دانند. چه‌بسا شروع واحدها از عصر معاصر باعث شود، دانشجو به محض ورود به دانشگاه و شروع به تحصیل در رشته زبان و ادبیات عربی با متون دشوار عصر جاهلی مواجه نشود و در عوض با متونی ساده‌فهم ولی پرمحتوا از عصر معاصر مواجه شود و بدین سبب با انگیزه‌ای مضاعف به ادامه تحصیل در این رشته پردازد و حتی راغب به خواندن متون ادبی غیر درسی گردد.

۶. متغیر ششم پژوهش تا حد متوسطی منابع اصلی و فرعی پیشنهادی موجود در سرفصل را تأیید نمود. نتایج آزمون (T) نشان داد که استادان در حد متوسط و با میانگین پاسخ ۳/۲۳۳۳ منابع مذکور در سرفصل را مناسب دانستند. بدین معنی که آنان هم منابع اصلی و هم منابع فرعی پیشنهادی را مناسب تدریس این درس می‌دانند. در جمع‌بندی این فرضیه می‌توان به این نتیجه اشاره کرد که از نظر بیش‌تر استادان سرفصل درس متون ادبی در سه بخش: تفکیک بخش نظم از نثر، تعادل در تنظیم دو بخش نظم و نثر، و شروع واحدها از عصر معاصر نیازمند بازنگری کامل است. ولی از نظر آنان سرفصل در دو بخش: منابع پیشنهادی و زمان‌بندی تا حدودی مناسب است.

۵. پیشنهادهای پژوهش

در این بخش پژوهشگران فقط به ذکر پیشنهاد‌های استادان که حاصل سؤال باز پرسش‌نامه بوده پرداخته‌اند:

۱. برخی از استادان وجود دو واحد درسی تحت عنوان «روش تحقیق در متون ادبی» یا «بسترسازی متون ادبی» را در شناسایی مسیر و غایات متون ادبی بسیار ضروری معرفی نمودند.
 ۲. برخی از استادان اهداف در نظر گرفته شده برای این درس را نامناسب و اهداف را بسیار کلی دانسته‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در طراحی سرفصل جدید، اهداف مورد انتظار این درس با جزئیات بیش‌تری لحاظ گردد.
 ۳. برخی از استادان بر ضرورت وجود گرایش‌های مجزا تحت عناوین «مترجمی زبان و ادبیات عربی»، «ادبیات عربی»، و «آموزش زبان عربی» تأکید داشتند؛ آن‌ها این گرایش‌ها را راهگشای بسیاری از مشکلات دانشجویان در تقویت مهارت‌های زبانی، ادبی، ترجمه، و... دانسته‌اند. که البته این پیشنهاد می‌تواند تکمله و تأیید متغیر دوم پژوهش، یعنی ضرورت تفکیک دو بخش نظم از نثر باشد. در حال حاضر دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشگاه پیشگام در این زمینه بوده است و چندین سال است که علاوه بر ایجاد دو گرایش ادبیات عربی و آموزش زبان عربی، استادان دروس نظم را در دو واحد و دروس نثر را در دو واحد به طور جداگانه تدریس می‌کنند.
- از این رو انتظار می‌رود طراحان محترم برنامه درسی و سرفصل دروس دانشگاهی در طراحی سرفصل جدید متون نظم و نثر در مقطع کارشناسی به نتایج این پژوهش و پیشنهادها که بر لزوم بازنگری در سرفصل تأکید دارد، توجه نمایند.

پی نوشت

۱. مقاله حاضر حاصل یافته‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد سجاد اسماعیلی است.

منابع

- آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۵). *ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه درسی رشته حقوق در مقطع کارشناسی*، چکیده مقالات کنگره علوم انسانی، تهران.
- الباز، خالد صلاح علی (۲۰۰۰). *فاعلیه برنامه مقترح لتدريب موجیه العلوم بالمرحلة الثانویة علی استخدام مدخل التقویم الموجه بالأهداف التدریسیة*، المؤتمر العلمی الرابع (۳۱ يوليو)، التریبة العلمیة للجمیع، الجمعیة المصریة للتربیة العلمیة، القریة الریاضیة بالإسماعیلیة، مصر.
- بوقس، نجاه عبدالله محمد (۱۹۹۸): *فاعلیة برنامج تدریسی مقترح فی تنمیة مهارت تدریس المفاهیم العلمیة لیدی الطالبات المعلمات بکلیة التریبة بجدة*، رساله دکتوراه، کلیة البنات بجدة، السعودیة.
- الركابی، جودت (۱۹۸۶). *طرق تدریس اللغة العربیة*، دمشق: دار الفكر للطباعة و التوزیع و النشر.
- السحرتی، مصطفى عبد اللطیف (۱۹۶۲). *النقد الأدبی من خلال تجاری، القاهرة*.
- شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم (۱۳۸۹). *سرفصل بازنگری شده رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها*.
- الضبع، محمد (۲۰۰۶). *المناهج التعلیمیة صناعتها و تقویمها*، القاهرة: مکتبة الأنجلو المصریة.
- عبدالأمر، طباح (۲۰۰۷). *منهجیة البحت تقنیات و مناهج*، بیروت: دارالهادی.
- فلاح (۱۹۹۶). *أسالیب تدریس اللغة العربیة*، لا. م: منشورات جامعة القدس المفتوحة.
- کارشناسان بخش آموزش عالی یونسکو (۱۳۸۴). *فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در آموزش مریبان*، ترجمه محمدرضا شاه‌پسند و ابوالقاسم شریف‌زاده، کرج: نشر آموزش کشاورزی.
- معلم، ملیحه (۱۳۸۸). *ضرورت بازنگری سرفصل دروس رشته ادیان و عرفان*، مجله سخن سمت، ش ۲۱، س ۱۴.
- نوروززاده، رضا و محمد آرمند (۱۳۸۳). *نقد و بررسی برنامه درسی دوره دکتری رشته برنامه ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت*، ارائه یک برنامه درسی پیشنهادی برای دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی، مجله سخن سمت، س ۹، ش ۱۳.